

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَعَلَى الْأَطْنَابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَى اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ وَإِيَاهُمْ فَلْيَنْدُبِ
النَّادِبُونَ وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْتُدْرِفِ الدَّمُوعُ وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ وَ يَضِحَّ الضَّاجُونَ وَ يَعِجَّ الْعَاجُونَ^۱.

معنای اشک و گریه

آب زلالی که در وقت ترحم ، سوزش دل و یا شوق از چشم فرو می‌ریزد ، اشک ،
سرشک ، عَبْرَةٌ و دَمْعٌ گفته می‌شود و این عمل را گریه یا بکاء می‌نامند^۲.

فوائد گریه و اشک

گریه کردن و اشک ریختن خواص مختلف جسمی و روحی دارد که به بعضی از آنها
اشاره می‌شود .

۱ . ضد عفونی :

اشک با شوری خود چشم را ضد عفونی می‌کند و از مبتلا شدن به بیماری‌های گوناگون
عفونی جلوگیری می‌کند . اشک ماده‌ای به نام لیوزیم دارد که از مواد بسیار نیرومند در

^۱ . بر پاکیزگان از خاندان محمد و علی (رحمت خدا بر ایشان و بر خاندان ایشان) باید گریه کنندگان بگریند ، و ندبه کنندگان ندبه
و افغان کنند ، و برای امثال آن بزرگواران باید اشک‌ها روان شود ، و شیون از دل برکشند و ضجّه و زاری کنند ، و ناله
جانسوز سر دهند .
دعای ندبه

^۲ . اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۱۰ .

نابودی باکتری‌هاست و چشم را ضد عفونی می‌کند.^۳

۲. رفع سرطان چشم :

در اشک چشم آنزیمی وجود دارد که برای سرطان چشم بسیار مؤثر است و سبب بهبودی می‌شود.^۴

۳. رابطه طبی گریه نکردن و ابتلاء به زخم معده :

در رابطه طبی گریه و پیدایش زخم معده روان‌شناسان و روان‌پزشکان را عقیده بر این است که میان گریه و زخم معده رابطه‌ای وجود دارد. این زخم‌ها با عصبانیت، فشار روحی و پریشانی رابطه نزدیکی دارند. لذا اشخاص زود رنج و عصبی برای سوء هاضمه و زخم‌های مربوط به معده آمادگی خاصی دارند.

این گونه زخم‌ها در میان مردان بیشتر دیده می‌شود و علت را گریه نکردن دانسته‌اند.^۵

۴. گریه اطفال :

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: در مغز کودکان رطوبتی است که اگر در آن بماند کودکان به بیماری‌ها و نارسایی‌های سخت و ناگواری مبتلا می‌شوند مانند نابینایی و غیر آن (که مربوط به اعصاب و عقل و... می‌شود).

^۳. اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۱۸.

^۴. اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۱۹.

^۵. اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۱۸.

گریه آن رطوبت را از سر کودکان سرازیر و بیرون می‌کند و بدین وسیله سلامتی تن و دیده ایشان را فراهم می‌سازد .

پدر و مادر از این راز آگاه نیستند و سعی دارند طفل را از گریه ساکت کنند و با فراهم کردن خواسته‌هایش از گریه بازش دارند ولی نمی‌دانند که گریه کردن به سود اوست . . .

همچنین آبی که از دهان کودکان سرازیر می‌شود رطوبتی است که اگر در بدنشان بماند آثار وخیمی برجای می‌گذارد . و ممکن است موجب کودنی ، کم عقلی ، دیوانگی ، فلج و لقوه (مرضی که در چهره انسان پیدا می‌شود و لب و دهان یا فک به طرفی کج می‌شود) گردد .

خداوند متعال چنان تدبیر نمود که این رطوبت در دوران کودکی از دهان کودکان بیرون رود تا در نتیجه در بزرگی از سلامت تن برخوردار گردند .^۶

۵ . آرامش اعصاب و روان و جلوگیری از ابتلاء به امراض :

گریه و جاری شدن اشک از چشم سبب کاهش فشارهای روحی و تسکین صاحب درد و مصیبت می‌گردد .

به دنبال کاسته شدن فشارهای روحی و حالت استرس و پریشانی ، جسم کمتر به امراض مختلف دچار خواهد شد . لذا افرادی که رقیق‌القلب هستند و زودتر از دیگران اشکشان

^۶ . بحارالانوار ج ۶۰ ص ۳۸۰ ح ۹۸ .

جاری می‌شود کمتر به امراض جسمی مبتلا می‌شوند نسبت به کسانی که درد و رنج و مشکلات روحی را در خود نگه می‌دارند و از فشار آن با گریه کردن نمی‌کاهند.^۷

۶. کاهش قتل ، جنایت و خودکشی :

کتب روانپزشکی گفته‌اند : اگر کسی که قصد خودکشی دارد قبل از اقدام به آن چند قطره اشک به علتی از چشمش خارج شود و گریه کند ، از خودکشی پشیمان می‌شود .
و یا کسی که قصد جنایت و قتلی دارد اگر قبل از اقدام ، به سببی اشکی بریزد ، روانش آرام می‌شود و از اقدام منصرف می‌شود.^۸

۷. تعادل فکر^۹

۸. فرو نشستن خشم درونی^{۱۰}

۹. علامت رقت قلب و مهربانی^{۱۱}

۱۰. برطرف شدن تکبر و منیت^{۱۲}

۱۱. طراوت و شادابی روح :

وقتی انسان مثلاً در جلسات عزای ائمه معصومین علیهم‌السلام شرکت می‌کند و چند قطره اشک

^۷. فلسفه عزاداری در اسلام ص ۵۱ .

^۸. اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۱۸ .

^۹. اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۱۹ .

^{۱۰}. اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۱۹ .

^{۱۱}. اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۱۹ .

^{۱۲}. اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۱۷ .

می‌ریزد یا جهت زیارت به حرم مطهر و منورشان مشرف می‌شود احساس سبک‌بالی می‌نماید به گونه‌ای که گویا کوله‌بار سنگین گناه از دوش و پشتش برداشته شده است . احساس می‌کند که با ارتباط معنوی با خداوند سبحان و ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} در این اماکن مقدس ، روح خود را از آلودگی‌ها پاک نموده و زندگی و روز جدیدی را آغاز نموده است.^{۱۳}

علل گریه

قطرات اشکی که از چشم خارج می‌شود ، یا زیر پلک را لحظه‌ای پُر می‌سازد عوامل مختلفی دارد ، و در طبّ جدید ثابت شده که از روی اشکی که از چشم خارج می‌شود می‌توانند معین کنند چه علتی داشته است .

اشک حسرت یا اشک خوف یا اشک شوق قابل تشخیص است^{۱۴} .

اشک گریه خوشحالی ، سرد است ، و اشک گریه حزن و بی‌دماغی ، گرم است^{۱۵} .

گریه خالصانه

گریه عوامل خارجی مختلف دارد گاه با زدن نی یا فلوت یا موسیقی حزن‌آور شخص گریه می‌کند (البته مشروع نیست) . و گاه به خاطر تأثیر صدا و نفس خواننده است

^{۱۳} . فلسفه عزاداری در اسلام ص ۵۱ .

^{۱۴} . اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۱۱ .

^{۱۵} . خیراتیه ج ۲ نور ۴ ص ۳۲۵ .

مثلاً کسی با لحن محزون می خواند ، دیگری به علت آهنگ حزن آور صدای او به گریه می افتد . و گاه فرد حاجت و گرفتاری در زندگی دارد به خاطر آن اشک می ریزد . . . این ها هیچ کدام گریه خالصانه بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام نیست . اما گاه عزادار با یاد مصائب و مظلومیت و غربت سیدالشهداء علیه السلام منقلب می شود ، دلش می سوزد و اشک او روان می گردد در این صورت عزادار حقیقتاً با آن حضرت رابطه برقرار می کند و مانند قطره آبی که به دریا ریخته می شود شامل رحمت نامتناهی پروردگار می گردد . این نوع گریه وسیله پاک شدن از گناهان و آلودگی هاست ، گریه خالصانه ای است که محبوب خداوند متعال و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است ^{۱۶} .

ریا کردن در عزاداری

س : آیا ریا کردن در شعائر و عزاداری امام حسین علیه السلام جایز است ؟

آیت الله مکارم شیرازی : ریا در هر عبادتی حرام محسوب می شود ولی تظاهر به عزاداری امام حسین علیه السلام و تعظیم شعائر دین به قصد قربت جایز بلکه مستحب است . مثل این که پرداختن صدقه آشکار قربه الی الله برای تشویق دیگران همان طور که در قرآن آمده ، مستحب است ^{۱۷} .

آیت الله تبریزی : ریا عبارت است از انجام دادن عملی به غرض و انگیزه این که مردم او

^{۱۶} . اقتباس از سحاب رحمت پاورقی ص ۸۱ با اضافات .

^{۱۷} . استفتائات جدید ج ۱ ص ۵۰۳ س ۱۶۳۸ .

را ببینند و او را شخص خیر و عبد صالح بدانند . ریاء در عبادات حرام است و مبطل عبادت است ، یکسان است که عبادت واجب باشد یا مستحب باشد مانند اقامه عزاء برای سیدالشهداء علیه السلام .^{۱۸}

تباکی

تباکی یعنی حالت گریه به خود گرفتن و خود را به گریه کنندگان شبیه نمودن مثل دست به صورت گرفتن ، صورت و پیشانی را درهم کشیدن و صدای گریه را اظهار کردن^{۱۹} . البته در تباکی هم مثل گریستن و گریاندن شرط اخلاص و قصد قربت لازم است و نباید ریائی باشد^{۲۰} .

فضیلت تباکی

کلمه امام صادق علیه السلام : . . . هرکس درباره امام حسین علیه السلام شعری بگوید و تباکی کند بهشت برای اوست^{۲۱} .
 کلمه در حدیثی هم که سید بن طاووس رحمته الله علیه نقل کرده چنین آمده : کسی که تباکی کند و صورت گریه به خود گیرد برای او بهشت است^{۲۲} .

^{۱۸} . صراط النجاة ج ۲ س ۲۰۰۳ .

^{۱۹} . برگرفته از اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۳۴ و سوگنامه عاشورا ص ۳۴ .

^{۲۰} . چشم اندازی به تحریفات عاشورا کتاب لؤلؤ و مرجان ص ۷۷ استفتائات مبحث ریاء در عزاداری .

^{۲۱} . من أنشد فی الحسین شعراً فتباکی فله الجنة . أمالی صدوق م ۲۹ ص ۲۲۵ ح ۶ ، کامل الزیارات باب ۳۳ ح ۲ ص ۱۱۲

^{۲۲} . قَالَ ابْنُ طَاوُسٍ رَوَى عَنْ آلِ الرَّسُولِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُمْ قَالُوا . . . وَ مَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ .

خصلت‌های ده‌گانه

که در حدیثی از مناجات‌های حضرت موسی علیه السلام با خداوند عزوجل آمده است که :
حضرت موسی علیه السلام عرض کرد :

خدایا چرا امت محمد صلی الله علیه و آله را بر امت‌های دیگر برتری داده‌ای ؟
حضرت حق تعالی فرمود : بخاطر ده خصلت .

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد : آن‌ها چیست تا به بنی اسرائیل بگویم آن‌ها را عمل کنند ؟
پروردگار عالم فرمود :

نماز ، زکات ، روزه ، حج ، جهاد ، جمعه ، جماعت ، قرآن ، علم ، عاشورا

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد : پروردگارا ! عاشورا چیست ؟

خداوند تبارک و تعالی فرمود : بر نوه محمد صلی الله علیه و آله گریه نمودن و شبیه نمودن خود به
گریه‌کنندگان و نوحه سرودن و پیاداشتن عزاء بر مصیبت فرزند مصطفی صلی الله علیه و آله .

ای موسی ! هر بنده‌ای از بندگانم در آن زمان گریه کند یا خود را شبیه گریه‌کنندگان نماید
و عزاداری بر فرزند مصطفی صلی الله علیه و آله کند ، بهشت جزای او می‌باشد و در آن ثابت می‌ماند .
و هر بنده‌ای که از مال خودش به خاطر محبت پسر دختر پیامبرش صلی الله علیه و آله غذا یا غیر غذا ،
درهمی ^{۲۳} انفاق کند برای او در دنیا به ازای هر درهم هفتاد درهم برکت می‌دهم و
گناهانش را می‌بخشم .

^{۲۳} . پول رایج ، مثلاً در زمان ما تومان

و قسم به عزت و جلالم هر زن یا مردی که یک قطره اشک از دو چشمش در روز عاشورا و غیر عاشورا جاری شود برای او ثواب و پاداش صد شهید نوشته می شود^{۲۴}.

تباکی در مناجات و دعا

البته غیر از تباکی در مصیبت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، حالت گریه به خود گرفتن در مناجات و دعا و از خوف خدا نیز مطلوب است و از نمونه های روانی تأثیر ظاهر در باطن است.

که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه به ابوذر غفاری فرمود: هر کس می تواند گریه کند، بگرید و هر کس نتواند پس در دل خویش حزن قرار دهد و تباکی کند. همانا قلب قساوت گرفته، از خداوند دور است^{۲۵}.

که امام صادق علیه السلام درباره گریه از خوف خدا و بر گناه خویش می فرماید: اگر گریهات نمی آید خود را به حالت گریه در آور پس اگر به اندازه سر مگسی اشک بیرون آمد مرحبا به تو^{۲۶}.

که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که آیات آخر سوره زمر را برای گروهی از انصار قرائت

^{۲۴}. مستدرک الوسائل ج ۱۰ ص ۳۱۹ ح ۱۲۰۸۵.

^{۲۵}. یا أبأذر من استطاع أن يبکی فلیبک و من لم یستطع فلیشعر قلبه الحزن و لیتبک إن القلب القاسی بعید من الله.

مکارم الأخلاق فصل ۵ ص ۴۶۲

بحار الانوار ج ۹۳ ص ۳۳۴

^{۲۶}. ان لم یجئک البکاء فتبک فان خرج منک مثل رأس الذباب فیخ یخ.

فرمودند : **وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا**^{۲۷} همه گریستند جز جوانی از آنان . جوان گفت : یا رسول الله ، اشک از چشمانم نیامد و لکن تباکی نموده ، حالت گریه به خود گرفتم . حضرت فرمود : هر کس تباکی کند بهشت برای اوست^{۲۸} .

داستان

در این زمینه یکی از سخنرانان داستان شگفت انگیزی را . . . تعریف نمود . او چنین گفت که : ما هر سال سالی را برای برگزاری مجالس سوگواری در یک کشور خارجی اجاره می کردیم . روزی یک مسیحی از من می پرسد : شما هر سال این سالن را برای گریستن اجاره می نمائید در حالی که دیگران آن را برای جشن های عروسی و شادی اجاره می کنند . علت این امر چیست ؟

به او پاسخ دادم : زیرا ما سوگواری می کنیم . گفت : در سوگ چه کسی ؟ گفتم : در سوگ سید ، امام و سرورمان . گفت : چه وقت و کجا کشته شد ؟ گفتم : ۱۴۰۰ سال پیش .

او از آن که ما هنوز بر انسانی می گرییم که صدها سال پیش در گذشته است ، شگفت زده شد . پس به او گفتم : کشته شدن او معمولی نبود ، چرا که او را مظلومانه و فجیعانه به قتل رساندند . مردم پس از آن که او را دعوت نمودند و وعده یاری رساندن به او را دادند ، به او خیانت کرده و تسلیم دشمنان نمودند . دشمنانی که او را در بیابانی خشک

^{۲۷} . زمر ۷۱ .

^{۲۸} . فقال : یا رسول الله قد تباکیت فما قطرت عینی ، قال : اِنّی معید علیکم فمن تباکی فله الجنة . أمالی صدوق م ۸۱ ص ۸۵۷ ح ۱۰

احاطه کردند و حتی بر شیرخواره اش رحمی نمودند و آبی به او ندادند بلکه ، گلوی نازینش را با تیر شکافتند ! آن سخنران می گوید : پس از آن که علت گریستن را بر امام حسین علیه السلام برای آن مرد مسیحی شرح دادم ، ناگهان بغض گلویش را فشرده و اشک از چشمانش سرازیر گشت و با ما همدردی نمود . سپس از ما خواست تا در مجالس عزاداری اباعبدالله الحسین علیه السلام شرکت نماید^{۲۹}.

نصیحت علامه مامقانی به فرزندشان

پسرم تلاش نما بر برپایی عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام در هر روز و شب یک بار به اندازه توانت تا آن جا که اگر از جهت مخارج قادر بر اقامه عزا نبودی ، در هر روز و شب یک مرتبه از روی کتاب مقتل و تعزیه برای خانواده ات بخوان . همانا امام حسین علیه السلام محبوب و عزیز خداوند متعال است به خاطر این که در طاعت خدا به درجه ای رسید که منحصر به فرد و یگانه است و جان و مال و خانواده اش را در راه خدا بذل نمود و در توسل به او خیر دنیا و آخرت و رستگاری دو عالم است^{۳۰}.

علامه مولی محمد طاهر قمی رحمته الله

نوحه گری از برای شهید کربلا ، از عمده طاعات ، و اجرش بغایت^{۳۱} عظیم است^{۳۲}.

^{۲۹} . امام حسین علیه السلام تجلی حقیقت ص ۱۶۹ .

^{۳۰} . مرآة الرشد ص ۱۰۱ .

^{۳۱} . بی نهایت .

^{۳۲} . تحفة الاخیار ص ۲۹۹ .

دعبل خزاعی و امام رضا علیه السلام

که دعبل خزاعی می گوید : در ایام دهه محرم به محضر آقا و مولای خود علی بن موسی الرضا علیه السلام شرفیاب شدم و آن حضرت را در حالی که اصحابش دور او نشسته بودند محزون و غمگین یافتم . وقتی حضرت مرا دیدند فرمودند : مرحبا بر تو دعبل ! مرحبا بر کسی که با دست و زبانش ما را یاری می کند !

سپس حضرت جای برایم باز کردند و مرا در کنار خودشان جای دادند و فرمودند : ای دعبل دوست دارم برایم شعر بخوانی زیرا این روزها ایام غم و اندوه بر ما اهل بیت علیهم السلام و روز شادی دشمنان ما به ویژه بنی امیه است .

ای دعبل ، هر کس بر مصائب ما بگرید و (دیگران را) هر چند یک نفر باشد بگریاند ، اجرش با خداست .

ای دعبل ، کسی که از دیدگانش اشک بیرون آید و به خاطر مصائبی که دشمنان به ما وارد کردند ، بگرید ، خداوند او را همراه با ما و در گروه و زمره ما محشور نماید .

ای دعبل ، هر کس بر مصیبت جدّم حسین علیه السلام گریه کند البته خداوند گناهانش را بیامرزد . سپس حضرت رضا علیه السلام برخاستند و پرده‌ای بین ما و اهل بیتش زدند و آنان را پشت پرده نشانند تا بر مصیبت جدش حسین علیه السلام گریه کنند . آن گاه رو به من کردند و فرمودند : ای دعبل ، مرثیه بخوان ، تو یاور ما و مدیحه سرای ما هستی تا زمانی که زنده‌ای ، از یاری ما تا حدّی که توان داری کوتاهی نکن . در این هنگام دعبل مرثیه سرائی را آغاز

کرد ، در حالی که اشک بر دیدگانش جاری بود ^{۳۳} .

کربلا سبب اندوه و مصیبت تا روز قیامت

ع امام رضا علیه السلام : محرم ماهی بود که مردم جاهلیت جنگ را در آن حرام می دانستند ، (لکن بنی امیه) خون ما را در آن حلال شمردند و حرمت ما را هتک کردند و فرزندان و زنان ما را اسیر نمودند و آتش به خیمه های ما زدند و آنچه اثاثیه در آنها بود ، دزدیدند و حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله را درباره ما مراعات نکردند .

همانا روز مصیبت امام حسین علیه السلام پلک چشمان ما را مجروح نموده و اشک ما را جاری ساخته است و عزیز ما را در سرزمین اندوه و بلاء (کربلاء) کوچک نموده است ^{۳۴} . کربلا ما را وارثان اندوه و مصیبت تا روز قیامت گردانده است . پس بر مثل حسین علیه السلام باید گریه کنندگان گریه کنند که گریه بر حسین علیه السلام گناهان بزرگ را محو می کند . سپس امام رضا علیه السلام فرمودند :

شیوه پدرم امام کاظم علیه السلام این بود : وقتی ماه محرم فرا می رسید کسی او را خندان نمی دید و غم و اندوه بر حضرتش غالب بود تا روز دهم ، پس روز دهم (روز عاشورا) روز مصیبت و حزن و گریه ایشان بود و می فرمود : امروز روزی است که امام حسین علیه السلام در آن به شهادت رسیده است ^{۳۵} .

^{۳۳} . بحار الانوار ج ۴۵ ص ۲۵۷ ح ۱۵ .

^{۳۴} . یعنی : دشمنان ، عزیز ما را در کربلاء کوچک شمردند .

^{۳۵} . عن الرضا علیه السلام : إن المحرم شهر كان أهل الجاهلیه یحرمون فیہ القتال فاستحلّت فیہ دماؤنا و هتکت فیہ حرمتنا و سبب فیہ ذرارینا

در اندوه ما اندوهگین و . . .

☞ امام رضا علیه السلام: . . . ای پسر شیبب ، اگر می خواهی برای چیزی گریه کنی برحسین بن علی علیه السلام گریه کن زیرا او را مانند گوسفند ذبح کردند و هیجده مرد از خاندانش با او کشته شدند که در روی زمین مانند آنان نبود . برای کشته شدن او هفت آسمان و زمین گریستند . . . ای پسر شیبب ، اگر دوست داری در درجات بالای بهشت با ما باشی در اندوه ما اندوهگین و در شادی ما شاد باش و بر تو باد ولایت و دوستی ما که اگر مردی سنگی را دوست بدارد خداوند او را در روز قیامت با آن سنگ محشور گرداند^{۳۶} .

روز غم و اندوه و گریه

☞ امام رضا علیه السلام: هرکس روز عاشورا دنبال حوائج خود نرود (و کار و کسب خود را در روز عاشورا به خاطر عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام تعطیل نماید) خداوند منان در عوض ، حاجات دنیا و آخرتش را بر آورده خواهد نمود .

و نساؤنا و أضرمت النيران في مضاربنا و انتهب ما فيها من ثقلنا و لم ترع لرسول الله حرمه في أمرنا . إن يوم الحسين أقرح جفوننا و أسبل دموعنا و أذلّ عزيزنا بأرض كرب و بلاء ، أورتتنا الكرب و البلاء إلى يوم الانقضاء . فعلى مثل الحسين فليبك الباكون فإن البكاء عليه يحطّ الذنوب العظام . ثم قال علیه السلام: كان أبي عليه السلام إذا دخل شهر المحرم لا يری ضاحكاً و كانت الكآبه تغلب عليه حتى يمضي منه عشرة أيام فإذا كان يوم العاشر كان ذلك اليوم يوم مصيبتيه و حزنه و بكائه و يقول : هو اليوم الذي قتل فيه الحسين علیه السلام .

بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۸۳ و ۲۸۴ ح ۱۷

^{۳۶} . عن الرضا علیه السلام قال : . . . یابن شیبب ان كنت باکیاً لشیء فابک لل حسین بن علی ابن ابی طالب علیه السلام فانه ذبح كما یذبح الکبش و قتل معه من أهل بيته ثمانية عشر رجلاً ما لهم فی الارض شیهون و لقد بکت السماوات السبع و الارضون لقتله . . . یابن شیبب إن سرک أن تكون معنا فی الدرجات العلی من الجنان فاحزن لحزننا و افرح لفرحنا و علیک بولایتنا فلو أن رجلاً تولی حجراً لحشره الله معه يوم التیامه

بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۸۶ ح ۲۳ ، امالی شیخ صدوق مجلس ۲۷ ح ۵

و فردی که روز عاشورا ، روز مصیبت و غم و اندوه و گریه‌اش باشد ، خداوند بزرگ روز قیامت را روز سرور و شادیش قرار خواهد داد و چشمش در بهشت به ما (خاندان عصمت و طهارت) روشن خواهد شد .

و کسی که روز عاشورا را روز برکت داند و برای خانه‌اش چیزی ذخیره کند ، در آنچه ذخیره کرده برکت نباشد و روز قیامت با یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد در درگ اسفل (بدترین جای جهنم) محشور خواهد شد^{۳۷} .

با ما و در درجه ما

کرامت امام رضا (ع): کسی که یاد مصائب ما بیفتد و بر آنچه بر ما روا داشتند گریه کند روز قیامت با ما و در درجه ما خواهد بود .

و کسی که مصائب ما برایش بیان شود و بگرید یا بگریاند ، روزی که چشم‌ها گریان است (روز قیامت) چشم او گریان نخواهد بود .

و هر کس در مجلسی که امر (امامت و ولایت و مکتب) ما در آن احیاء و زنده شود بنشیند ، در روزی که دل‌ها می‌میرند ، دل او نمی‌میرد و زنده است^{۳۸} .

^{۳۷} . عن الرضا (ع): من ترک السعی فی حوائجہ یوم عاشورا قضی الله له حوائج الدنيا والآخرة . و من کان یوم عاشورا یوم مصیبتہ و حزنه و بکائه جعل الله عزوجل یوم القيامة یوم فرحه و سروره و قرت بنا فی الجنان عینہ و من سمی یوم عاشورا یوم برکة و اذخر فیہ لمنزلہ شیئا لم یبارک له فیما اذخر و حشر یوم القيامة مع یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد لعنہم الله الی اسفل درک من النار . بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۸۴ ح ۱۸

^{۳۸} . عن الرضا (ع): من تذرک مصابنا و بکی لما ارتکب منّا کان معنا فی درجتنا یوم القيامة و من ذکرک بمصابنا فبکی و أبکی لم تبک عینہ یوم تبکی العیون ، و من جلس مجلساً یحیی فیہ أمرنا لم یمت قلبه یوم تموت القلوب . بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۷۸ ح ۱

تربت امام حسین علیه السلام

که شخصی از شیعیان گوید : مقداری از تربت قسمت بالا سر مضجع شریف امام حسین علیه السلام را که گلی سرخ رنگ بود برداشتم (وقتی از زیارت سیدالشهداء علیه السلام برگشتم) خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و آن را به حضرتش تقدیم کردم ، حضرت آن را در دست گرفتند و بوییدند ، سپس گریستند تا آنجا که اشکشان جاری شد و فرمودند : این تربت جدم امام حسین علیه السلام است .^{۳۹}

امام صادق علیه السلام و محرم

که عبد الله بن سنان می گوید : در روز عاشورا خدمت آقایم حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شدم ، آن حضرت را با رنگ پریده و صورتی محزون مشاهده نمودم در حالی که اشک های چشم آن حضرت مانند دُرّ بر صورت مبارکش سرازیر بود .
عرض کردم : یابن رسول الله چرا گریه می کنید ؟ خداوند چشمانتان را گریان قرار ندهد ، امام فرمود : غافل ! مگر نمی دانی که در مثل این روز امام حسین علیه السلام به شهادت رسید ؟ !

عرض کردم : آقایم درباره روزه این روز چه می فرمایید ؟

^{۳۹} . بحارالانوار ج ۱۰۱ ص ۱۳۱ ح ۵۶ .

^{۴۰} . علی شریعتی از کسانی است که با امام رضا علیه السلام مخالفت کرده و به تربت امام حسین علیه السلام اهانت می نماید ، این مسأله و جواب آن را می توانید در کتاب بررسی و نقد اندیشه شریعتی ص ۱۰۸ تألیف خیرالله مردانی و مجموعه اشک ج ۲ مطالعه نمایید .

فرمود: بدون نیت روزه، از خوردن و آشامیدن پرهیز کن و بدون خواندن دعای آن، افطار کن و آن را روزه کامل قرار نده، بلکه ساعتی بعد از نماز عصر به مقداری آب افطار کن^{۴۱} چون در این ساعت بود که جنگ از آل رسول ﷺ بر طرف شد و آن فتنه بزرگ فرو نشست. سی تن از بنی هاشم با موالیان ایشان در میدان به خاک افتادند که شهادت آنان بر رسول خدا ﷺ سخت و دشوار بود. اگر آن حضرت ﷺ زنده بود (خود آن بزرگوار برای آنان سوگواری می کرد) و به او تسلیت داده می شد. راوی گوید: امام صادق ﷺ سخت گریست که محاسن شریفش تر شد...^{۴۲}.

گریه ملائکه

که زید شحام گوید: با جماعتی از اهل کوفه در حضور امام صادق ﷺ بودیم که جعفر بن عقیان وارد شد، آن حضرت او را نزدیک خود خواند، آن گاه فرمود: ای جعفر! عرض کرد: بله، خدا مرا فدای شما گرداند، فرمود: به من خبر رسیده که تو در مرثیه حسین ﷺ خوب شعر می گوئی. عرض کرد: آری خدا مرا فدای شما گرداند. فرمود: شعری بخوان. پس او شعری برای آن حضرت خواند و آن جناب و کسانی که گرد او بودند گریستند تا این که اشک بر صورت و محاسن آن حضرت جاری شد. آن گاه فرمود: ای جعفر به خدا

^{۴۱}. ابن عربی (مؤلف کتاب فصوص الحکم و فتوحات مکیه)، درباره روزه گرفتن در روز عاشورا، از بنی امیه پیروی نموده و با امام صادق ﷺ مخالفت می نماید و روزه این روز را سبب تقرب و مقدمه شهود و تجلی معرفی می کند، شرح این مطلب در

مجموعه پیام دین با عنوان اشک ج ۲

^{۴۲}. بحار الانوار ج ۴۵ ص ۶۳ ح ۳.

سوگند ملائکه مقرب خداوند حاضر بودند و سخن تو را درباره حسین علیه السلام شنیدند و همچون ما بلکه بیشتر از ما گریستند ، و به تحقیق خداوند در این ساعت بهشت را با تمامی نعمت‌های آن بر تو واجب گرداند و تو را آمرزید .

ای جعفر ، آیا بیش از این بگویم ؟ عرض کرد : آری ای سید من ، فرمود :

هر که درباره حسین علیه السلام شعری بگوید و بگیرد و بگریاند ، حتماً خداوند بهشت را بر او واجب گرداند و او را بیامرزد^{۴۳} .

کودکی در دامن امام صادق علیه السلام

کمیت شاعر بر امام صادق علیه السلام وارد شد ، حضرت فرمودند : ای کمیت ، در رثاء جدم حسین علیه السلام برایم شعر بخوان .

زمانی که کمیت برای آن حضرت اشعار و مرثیه خواند آن جناب گریه شدیدی نمودند و همچنین زنان و اهل حرم در پشت پرده داخل اتاق‌های منزل گریه می‌کردند و ناله آنان بلند بود ، ناگاه کنیزی از پشت پرده بیرون آمد و کودکی را در دامن امام صادق علیه السلام گذاشت . گریه حضرت بی‌نهایت شدید شد و صدای آن حضرت علیه السلام و زنان پشت پرده به گریه بلند شد^{۴۴} .

من کشته اشکم

جمعی از اصحاب ، نزد امام صادق علیه السلام گرد آمده بودند و سخن درباره امام حسین علیه السلام

^{۴۳} . بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۸۲ و ۲۸۳ ح ۱۶ .

^{۴۴} . معالی السبطين ج ۱ ص ۲۶۰ و ۲۶۱ .

به میان آمد ، حضرت صادق علیه السلام گریستند و اصحاب گریه کردند . سپس امام صادق علیه السلام سر مبارکشان را بالا آوردند و فرمودند : امام حسین علیه السلام فرمودند : من کشته اشکم ، هر مؤمنی مرا یاد کند گریان می شود^{۴۵} .

اشک چشم هر مؤمن

ابوعماره نوحه سرا گوید : هر روزی که از امام حسین علیه السلام نزد امام صادق علیه السلام یاد می شد در آن روز تا به شب حضرت متبسم دیده نمی شد (بلکه در تمام آن روز محزون یا گریان بود) و مکرر می فرمود : الحسین عبرة کل مؤمن^{۴۶} .^{۴۷}

آیا دوست نداری از کسانی باشی که فاطمه را کمک می کنند ؟

ابوبصیر گوید : نزد امام صادق علیه السلام بودم و با حضرت صحبت می کردم که فرزندشان بر حضرت وارد شد . امام علیه السلام به او فرمودند : آفرین بر تو و او را در آغوش گرفتند و بوسیدند و فرمودند : خدا تحقیر کند هر کسی که شما را تحقیر نماید و انتقام گیرد از هر کسی که به شما ظلم کند و خدا واگذارد کسی که شما را واگذارد (و یاری نکند) و خدا لعنت کند کسی که شما را بکشد و خداوند ولیّ و حافظ و یاور شما باشد .

گریه زنان و گریه انبیاء و صدیقین و شهدا و ملائکه آسمان (بر حسین علیه السلام) طولانی شده است . سپس امام علیه السلام گریستند و فرمودند : ای ابابصیر ، هر وقت به فرزندان حسین علیه السلام نگاه

بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۷۹ ح ۵

^{۴۵} . قال الحسين بن علي عليه السلام : أنا قتيل العبرة لا يذكرني مؤمن الا بكى ...

^{۴۶} . حسين عليه السلام ، اشک چشم (و سبب گریه و حزن) هر مؤمن است .

^{۴۷} . بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۸۰ ح ۱۱ .

می‌کنم چنان بغض گلویم را می‌گیرد که نمی‌توانم از گریه خودداری کنم به جهت مصائبی که بر آنان و پدرشان وارد شده است .

ای ابابصیر ، همانا فاطمه زهرا علیها السلام بر حسین علیه السلام گریه می‌کند و صیحه می‌زند . . . ، پیوسته ملائکه دلسوزی می‌کنند و با گریه فاطمه می‌گریند و خداوند را می‌خوانند و تضرع و زاری می‌نمایند . . .

سپس امام علیه السلام فرمودند : ای ابابصیر ، أما تحب أن تكون فيمن يُسعد فاطمه ؟ آیا دوست نداری از کسانی باشی که فاطمه را کمک می‌کنند ؟

چون چنین فرمود چنان گریان شدم که قدرت بر صحبت و کلام نداشتم . . . ^{۴۸}

حدیثی که سزاوار است با طلا نوشته شود

که امام صادق علیه السلام : کسی که به جهت ستمی که به ما شده محزون باشد نفس کشیدن او تسبیح خداوند است ، و نگرانی و اندوه او برای ما عبادت است و مخفی داشتن اسرار ما جهاد در راه خداست . سپس فرمودند : لازم (و زیبنده) است که این حدیث با طلا نوشته شود ^{۴۹} .

معنای روایت تمام و سندش صحیح است

که معاویة بن وهب از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که امام علیه السلام فرمودند : گریستن و بی‌تابی

^{۴۸} . بحارالانوار ج ۴۵ ص ۲۰۸ و ۲۰۹ ح ۱۴ .

^{۴۹} . عن الصادق عليه السلام : نفس المهموم لظلمنا تسبيح وهمه لنا عبادة وكتمان سرنا جهاد في سبيل الله ثم قال ابو عبد الله عليه

السلام : يجب أن يكتب هذا الحديث بالذهب . امالی شیخ مفید مجلس ۴۰ ح ۳ . بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۷۸ ح ۴

(در تمام مصائب) ناپسند است مگر گریه و بی‌تابی در مصیبت امام حسین علیه السلام ^{۵۰}.

س : نظر شما در مورد سند ودلالت روایت معاویة بن وهب از امام صادق علیه السلام ^{۵۱} چیست ؟

ج : این روایت معنایش تمام و کامل و سندش صحیح است ^{۵۲}.

السلام علیک یا ابا عبدالله

داوود رقی گوید : خدمت امام صادق علیه السلام بودم ، حضرت آب طلبیدند و هنگامی که نوشیدند ، دیدم چشم مبارکشان پر از اشک شد و گریستند . سپس فرمودند : ای داوود ! خدا قاتل حسین علیه السلام را لعنت کند . هر فردی آب نوشد و امام حسین علیه السلام را یاد کند و قاتل او را لعنت کند خداوند صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او محو کند و صد هزار درجه برای او بالا برد و گویا صد هزار بنده آزاد کرده است و خداوند متعال در روز قیامت او را با قلبی مطمئن محشور فرماید ^{۵۳}.

بیشترین پاداش

در محضر یکی از معصومین علیهم السلام صحبت از فضیلت شبی از شب‌های مبارک و ثواب شب زنده داری آن شب و پاداش اعمالی که در آن وارد گردیده ، شد .
مردی از حضار مجلس گفت : آه که من در آن شب غافل بودم . او تأسف و افسوس

^{۵۰} . کلّ الجزع و البكاء مکروه سوی الجزع و البكاء علی الحسین علیه السلام . بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۸۰ ح ۹

^{۵۱} . روایتی که بالا ذکر شد .

^{۵۲} . آیت الله تبریزی : هی تامة دلالة و صحیحة سنداً . الشعائر الحسینیة ص ۱۴

^{۵۳} . بحارالانوار ج ۴۴ باب ۳۶ ص ۳۰۳ ح ۱۶ .

خورد از این که نتوانسته اعمال حسنه در آن شب انجام دهد و از شب زنده داری آن شب محروم بوده است . امام علیه السلام به او فرمودند :

تو در آن شب از هر فردی عملت بهتر و با فضیلت تر و پاداشت بیشتر بود (به خاطر) آن ساعتی که در آن شب آب نوشیدی و امام حسین علیه السلام را یاد کردی و ظالمین بر حضرتش را لعن نمودی ^{۵۴}.

عزاداری را هر سال بر پا می کند

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر شهادت امام حسین علیه السلام و مصائبی که بر آن حضرت وارد می شود را برای حضرت فاطمه علیها السلام بیان کرد ، حضرت فاطمه علیها السلام گریه شدیدی نمود ، سپس از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال نمود : پدر این واقعه در چه زمانی است ؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : در زمانی این حادثه واقع می شود ، که من و تو و علی ، نیستیم . گریه حضرت فاطمه علیها السلام بیشتر شد و فرمود : پدر ، پس چه کسی بر حسینم گریه خواهد کرد ؟ و چه کسی مجلس عزا برای پسر من بر پا می کند ؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : ای فاطمه ، زنان امت من بر زنان اهل بیتم گریه می کنند ، و مردان امتم بر مردان اهل بیتم گریه می کنند . و این عزاداری را نسل به نسل ، هر سال بر پا

^{۵۴} . إنه جرى الكلام في محضر أحد الأئمة عليهم السلام في فضل ليلة من الليالي المباركة و ثواب إحيائها و أجر الاعمال الواقعة فيها . فقال رجل

من الحاضرين : آه إنني كنت غافلاً فيها وتأسف على فوات إحيائها والقيام بأعمال الحسنه فيها ، فقال له الامام عليه السلام : أنت كنت في الليلة أفضل عملاً وأكثر أجراً من كل أحد لما شربت الماء فيها ذكرت الحسين عليه السلام و لعنت على ظالميه .

می‌کنند . (و پاداش این عزاداری‌ها این است که) روز قیامت تو برای زنان امتم شفاعت می‌کنی و من هم برای مردان .

و هر فردی از امت من بر مصیبت حسین علیه السلام گریه کند ، ما دستش را می‌گیریم و او را داخل بهشت می‌کنیم . ای فاطمه ، هر چشمی روز قیامت گریان است مگر چشمی که بر مصیبت حسین علیه السلام گریه کرده باشد ، این چشم روز قیامت خندان است و او را به نعمت‌های بهشتی بشارت دهند^{۵۵} .

خدا شیعیان ما را رحمت کند

رسول خدا صلی الله علیه و آله : زمانی که روز قیامت شود قبه‌ای از نور برای حضرت زهرا علیها السلام (در عرصات قیامت) نصب می‌شود . امام حسین علیه السلام در حالی که سر خویش را به دست گرفته (و سر در بدن ندارد) به جانب مادر می‌آید .

فاطمه علیها السلام از دیدن این صحنه چنان ناله‌ای می‌زند که هیچ ملک مقرب و پیامبر مرسل و بنده مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر آن که به حال آن مظلومه گریه می‌کند . . . سپس امام صادق علیه السلام فرمودند : خدا شیعیان ما را رحمت کند . به خدا سوگند شیعیان ما مؤمنان

^{۵۵} . لما أخبر النبي صلی الله علیه و آله إبنته فاطمة علیها السلام بقتل ولدها الحسين و ما یجرى علیه من المحن بکت فاطمة علیها السلام بكاءً شديداً ، و قالت : یا أبت متی یكون ذلك ؟ قال : فی زمان خال منی و منک و من علی ، فاشتدّ بکاؤها و قالت : یا أبت ، فمن یبکی علیه ؟ و من یلتزم باقامة العزاء له ؟ فقال النبي صلی الله علیه و آله : یا فاطمة ، إن نساء أمتی یبکون علی نساء أهل بیتی ، و رجالهم یبکون علی رجال أهل بیتی ، و یجدّدون العزاء جیلاً بعد جیل ، فی کل سنة ، فاذا کان القيامة تشفعین أنت للنساء و أنا أشفع للرجال و کل من بکی منهم علی مصاب الحسين أخذنا بیده و أدخلناه الجنة . یا فاطمة ! کل عین باکیه يوم القيامة إلّا عین بکت علی مصاب الحسين فإنّها ضاحكة مستبشرة بنعيم الجنة . بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۹۲ و ۲۹۳ ح ۳۷

حقیقی اند زیرا با اندوه طولانی و افسوس فراوان در این مصیبت با ما شرکت جویند^{۵۶}.

به جای اشک ، برایت خون می‌گیریم

در زیارت ناحیه مقدسه ، منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه ، آن بزرگوار خطاب به جدّ مظلومشان چنین می‌فرماید :

فَلَنْ أُخْرَتِنِي الدَّهْرُ، وَ عَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ وَ لَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِباً وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعِدَاةَ مُنَاصِباً فَلَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَأَبْكِينَ لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا ، حَسْرَةً عَلَيْكَ وَ تَأْسُفًا عَلَيَّ مَا ذَهَكَ وَ تَلَهَّفُ حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ وَ غُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ^{۵۷}.

اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و دست تقدیر مرا از یاری تو باز داشت و نبودم که با کسانی که با تو کارزار کردند بستیزم و با کسانی که با تو دشمنی داشتند به نبرد برخیزم ، اینک هر صبح و شام برایت ناله می‌کنم و به جای اشک برایت خون می‌گیریم از روی حسرت بر تو و اندوه و تأسف بر مصیبت‌هایی که بر تو وارد شد تا این که در اثر سوز جانفرسای مصیبت‌ها و غصه جانکاه و اندوه فراوان بمیرم .

درسوگ تو با سوزِ درون می‌گیریم از نیل و فرات و شطّ فزون می‌گیریم

گرچشمه چشم من بخشکد تاحشر از دیده بجای اشک ، خون می‌گیریم

^{۵۶} . بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۲۱ ح ۷ .

^{۵۷} . بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۳۲۰ ح ۸ .

چهل سال گریه بر پدر

امام سجاد علیه السلام حدود چهل سال بر پدر بزرگوار خود گریست . در این مدت روزها روزه بود و شبها به عبادت مشغول بود . غلام آن حضرت هنگام افطار غذا و آب برای آن حضرت می آورد و در پیش ایشان می نهاد و می گفت : میل بفرمائید ای مولای من . حضرت می فرمود : (من چگونه آب و غذا بخورم) حال آن که پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله گرسنه شهید شد ، پسر رسول خدا را تشنه لب شهید کردند .

این کلمات را مکرر بیان می نمود و می گریست تا آن که در اثر گریه بسیار غذایشان از اشک چشمشان تر می شد و آب با اشک چشم مخلوط می شد . و پیوسته به این حال بود تا خدای خود را ملاقات کرد ^{۵۸} .

چگونه غصه من تمام شود ؟

غلام امام سجاد علیه السلام نقل می کند روزی حضرت به صحرا رفتند و من آن جناب را دنبال کردم ، امام را دیدم که بر روی سنگ زبر و خشنی در حال سجده اند . ایستادم و ناله و گریه آن بزرگوار را می شنیدم و هزار بار شمردم که حضرت این ذکر را گفتند :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُدًّا وَرِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إيمَانًا وَصِدْقًا

^{۵۸} . روی عن الصادق علیه السلام أنه قال : إن زَيْنَ الْعَابِدِينَ علیه السلام بكى على أبيه أربعين سنة صائماً نهاره قائماً ليله، فإذا حضره الإفطار جاء غلامه بطعامه و شرايه فيضعه بين يديه فيقول: كل يا مولاي. فيقول: قتل ابن رسول الله صلی الله علیه و آله، جائعاً، قتل ابن رسول الله صلی الله علیه و آله عطشاناً، فلا يزال يكرر ذلك و يبكي حتى يبلى طعامه من دموعه، و يمتزج شرايه منها، فلم يزال كذلك حتى لحق بالله عزوجل .

امام علیه السلام سر از سجده برداشتند درحالی که صورت و محاسن شریفشان را اشک چشم فرا گرفته بود .

گفتم : سرور من کی حزن و اندوه شما تمام می شود ؟ چه وقت گریه شما کم می شود ؟ فرمودند : وای بر تو . یعقوب پیامبر دوازده پسر داشت خداوند متعال یکی از آنان را غایب کرد ، از غصّه موی سرش سفید شد و پشت وی از (بار) غم خم شد . و از شدت گریه بینائی خود را از دست داد در حالی که پسرش در این دنیا زنده بود .
(چه طور گریه نکنم درحالی که) من دیدم پدرم و برادرم و هفده نفر از اهل بیتم را که روی زمین افتاده و شهید شده اند ؟ چگونه غصّه من تمام شود و گریه ام کم شود ؟^{۵۹}

عزاداری در خانه

ع امام باقر علیه السلام : هرکس امام حسین علیه السلام را در روز دهم محرم زیارت کند تا آن که نزد قبر آن حضرت گریان شود خداوند را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد ملاقات کند در حالی که ثواب آن مثل ثواب کسی باشد که حج و عمره و جهاد در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام کند .

راوی گوید : گفتم فدایت شوم برای کسی که در شهرهای دور از کربلا است و رفتن به سوی قبر آن حضرت در مثل این روز برایش ممکن نیست چه ثوابی هست ؟

فرمود : هرگاه چنین باشد به سوی صحرا بیرون رود یا بر بام بلندی در خانه خود بالا

^{۵۹} . الملهوف علی قتلی الطفوف ص ۲۳۴ .

رود و به سوی آن حضرت با سلام اشاره کند و در نفرین کردن بر قاتلان آن حضرت تلاش نماید و بعد از آن دو رکعت نماز بخواند. این اعمال را در اوائل روز قبل از زوال آفتاب انجام دهد. آن گاه بر حسین علیه السلام ندبه و گریه نماید و کسانی را که در خانه اش هستند (اگر از آنان تقیه نمی کند) به گریستن بر آن حضرت امر نماید و در خانه خود با اظهار جزع و بی تابی بر آن حضرت، مجلس عزا و مصیبت برپا کند. و یکدیگر را بر مصیبت حسین علیه السلام تعزیت گویند. هرگاه این اعمال را انجام دهند من بر ایشان تمام این ثوابها را ضامنم. گفتم: فدایت شوم شما این ثوابها را بر ایشان ضامن شده و کفالت می کنید؟ فرمودند: آری من ضامنم و کفیلیم برای کسی که این عمل را به جا آورد...^{۶۰}

قطره اشکی در راه ما

ک امام صادق علیه السلام: هر که در راه ما، به خاطر خونی که از ما ریخته شده است یا حقی که از ما به تاراج رفته یا پرده آبرو و حیثیتی که از ما یا یکی از شیعیان ما دریده شده، قطره اشکی بریزد، خداوند متعال او را سالیان دراز در بهشت ساکن گرداند.^{۶۱}

شیعیان ما از ما هستند

ک امیرالمؤمنین علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی وقتی که عنایت و توجه به زمین نمود ما را (به عنوان اولیاء خود) برگزید و برای ما هم پیروانی (شیعیانی) برگزید که ما را یاری

^{۶۰} . کامل الزیارات باب ۷۱ ص ۱۹۳ ح ۷

^{۶۱} . عن الصادق علیه السلام : من دعت عینه فینا دمة لدم سفک لنا او حق لنا نقصناه او عرض انتهک لنا او لاحد من شیعتنا بوأه الله تعالی

می کنند . آنان در شادی ما شاد و در غم ما غمگین اند و اموال و جان خویش را در راه ما بذل می کنند . آنان از ما هستند و به سوی ما باز خواهند گشت^{۶۲} .

لایوم کیومک یا اباعبدالله

که امام صادق علیه السلام: روزی سیدالشهداء علیه السلام وارد بر حضرت مجتبی علیه السلام شد چون چشم او به برادر افتاد گریست . امام مجتبی علیه السلام سؤال کرد : ای اباعبدالله چرا گریه می کنی ؟ گفت : گریه من به جهت بلائی است که به تو می رسد . امام حسن علیه السلام فرمودند : آنچه به من می رسد ستمی است که به من می دهند و شهید می شوم ولی لایوم کیومک یا اباعبدالله هیچ روزی مانند روز تو نیست . سی هزار نفر به سوی تو می آیند و همه مدعی آن باشند که امت جد ما پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و دینشان اسلام است . آنان بر قتل و ریختن خون تو و هتک حرمت و اسیر کردن زنان و فرزندان تو و غارت اموال اجتماع می کنند . در این هنگام لعنت خدا بر بنی امیه فرود می آید . و از آسمان خاکستر و خون می بارد و همه چیز حتی حیوانات وحشی بیابانها و ماهیان دریاها بر تو می گریند^{۶۳} .

گریه ملائکه

که امام صادق علیه السلام: چهار هزار ملکی که برای نصرت سیدالشهداء علیه السلام آمدند و حضرت اجازه نفرمود . . . ، تا روز قیامت نزد قبر آن حضرت گریان و غبار آلود هستند ، و رئیس

^{۶۲} . عن امیرالمؤمنین علیه السلام: إن الله تبارک و تعالی اطلع إلى الأرض فاخترنا و اختار لنا شیعة ینصروننا و یفرحون لفرحنا و یحزنون

بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۸۷ ح ۲۶

لحزننا و یبدلون أموالهم و أنفسهم فینا اولئک منّا و إلینا .

^{۶۳} . بحارالانوار ج ۴۵ ص ۲۱۸ ح ۴۴ .

آن‌ها ملکی به نام منصور است^{۶۴}. ملائکه‌ای که نزد قبر آن حضرت هستند گریانند و از گریه آن‌ها همه ملائکه هوا و آسمان می‌گریند^{۶۵}.

﴿ صفوان جمال می‌گوید : امام صادق علیه السلام را در راه مدینه دیدم و ما قصد مکه داشتیم .

عرض کردم : ای پسر رسول خدا ، شما را محزون و ناراحت و دل شکسته می‌بینم ؟

امام علیه السلام فرمود : اگر تو می‌شنیدی آنچه من می‌شنوم ، این سؤال را نمی‌کردی . عرض

کردم : چه چیزی را می‌شنوید ؟ فرمود : نفرین ملائکه بر قاتلان امیرالمؤمنین علیه السلام و قاتلان

حسین علیه السلام و نوحه جن و گریه ملائکه‌ای که در اطرافش هستند و شدت جزع و ناله آن‌ها را

می‌شنوم . پس چه کسی با این وجود ، غذا و آشامیدنی و خواب بر او گوارا شود ؟^{۶۶}

تعزیت ملائکه

﴿ در زیارت ناحیه مقدسه می‌خوانیم : **وَ اِخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ تَعَزَّى اَبَاكَ**

امیرالمؤمنین . فرشتگان مقرب پروردگار در دسته‌های مختلف برای عرض تسلیت بر این

مصیبت عظمی خدمت پدرت امیرالمؤمنین علیه السلام در رفت و آمد بودند^{۶۷} .

گریه ذوالجناح

﴿ در زیارت ناحیه مقدسه آمده است : **وَ اَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِداً اِلَى خِيَامِكَ قاصِداً**

^{۶۴} . بحارالانوار ج ۴۵ ص ۲۲۰ .

^{۶۵} . بحارالانوار ج ۴۵ ص ۲۰۷ ح ۱۳ .

^{۶۶} . بحارالانوار ج ۴۵ ص ۲۲۶ ح ۱۹ .

^{۶۷} . بحارالانوار ج ۱۰۱ ص ۳۲۳ ح ۸ .

مُحَمَّماً بَاكِياً ، اسب شما شیون کنان از شما دور شده ، شیهه کشان و گریه کنان به قصد
خیام حرم سرعت گرفت^{۶۸}.

و در حدیث است که آن اسب می گفت :

الظَلِيمَةُ الظَلِيمَةَ مِنْ أُمَّةٍ قَتَلَتْ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّهَا^{۶۹}

وای از ظلم ، فریاد از ظلم ، از امتی که پسر دختر پیامبرشان را کشتند .

گریه آسمان و زمین

☞ امام رضا علیه السلام : زمانی که جدم حسین علیه السلام کشته شد از آسمان خون و خاک سرخ
بارید^{۷۰}.

☞ اسامة بن شیبب به اسنادش از ام سلیم نقل می کند : زمانی که حسین بن علی علیه السلام کشته
شد بارانی مثل خون از آسمان بارید که دیوارهای منازل و خانه ها قرمز شد^{۷۱}.

☞ امام صادق علیه السلام : هشام پدرم را به شام احضار کرد و از او درباره کسانی که در شب
شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام در شهرهای دیگر بودند سؤال کرد که به چه علامتی متوجه این
ماجرای شدند ؟ آیا این علامت برای کس دیگری هم بود یا نه ؟

حضرت باقر علیه السلام فرمودند : در آن شب هر سنگی را که از زمین برمی داشتند زیر آن خون

^{۶۸} . بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۳۲۲ ح ۸ .

^{۶۹} . بحار الانوار ج ۴۴ ص ۳۰۸ .

^{۷۰} . بحار الانوار ج ۴۴ ص ۲۸۶ ح ۲۳ .

^{۷۱} . بحار الانوار ج ۴۵ ص ۲۱۵ ح ۳۸ .

تازه دیده می شد تا طلوع فجر . . . و این ماجرا در شبی که حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید نیز اتفاق افتاد . . .^{۷۲}

خورشید گرفتگی

که ابوقبیل می گوید: هنگامی که حسین بن علی علیه السلام کشته شد خورشید به حدی گرفت که ستاره ها در روز دیده می شدند و ما گمان کردیم که قیامت به پا شده است^{۷۳}.

گریه اهل دریا

که هنگامی که آن بزرگوار به شهادت رسید، ملکی، اهل دریا را چنین ندا کرد: يَا أَهْلَ الْبِحَارِ، اَلْبِسُوا ثَوْبَ الْحُزْنِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَذْبُوح. ای اهل دریاها، لباس حزن و اندوه بپوشید که فرزند زاده رسول خدا صلی الله علیه و آله سر بریده شد^{۷۴}.

گریه موجودات عالم و حوریان بهشتی

که در زیارت ناحیه مقدسه که منسوب به امام زمان علیه السلام است می خوانیم: مجالس ماتم برای شما در اعلی علیین بر پا شد. و حوریان بهشتی در عزای شما بر سر و صورت زدند. و آسمان و ساکنانش و بهشت و نگهبانانش، و کوهها و دامنه هایش، دریاها و ماهیان، باغهای بهشت و نوجوانانش، خانه کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام، مشعر الحرام و

^{۷۲} . بحار الانوار ج ۴۵ ص ۲۰۳ و ۲۰۴ ح ۵ با تلخیص .

^{۷۳} . بحار الانوار ج ۴۵ ص ۲۱۶ ح ۳۹ .

^{۷۴} . کامل الزیارات ص ۶۶ باب ۲۱ ح ۳ .

حرم خانه خدا و اطراف آن ، همگی در ماتم تو گریستند^{۷۵}.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
 باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
 این صبح تیره باز دمید از کجا کزو
 گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب
 گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست
 در بارگاه قدس که جای ملال نیست
 جنّ و ملک بر آدمیان نوحه می کنند
 خورشید آسمان و زمین نور مشرقین
 کشتی شکست خورده طوفان کربلا
 گر چشم روزگار بر او فاش می گریست
 نگرفت دست دهر گلابی به غیر اشک
 باز این چه نوحه و چه عز او چه ماتم است
 بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است
 کار جهان و خلق جهان جمله در هم است
 کآشوب در تمامی ذرات عالم است
 این رستخیز عام که نامش محرم است
 سرهای قدسیان همه بر زانو ی غم است
 گویا عزای اشرف اولاد آدم است
 پرورده کنار رسول خدا حسین (ع)
 در خاک و خون تپیده میدان کربلا
 خون می گذشت از سر ایوان کربلا
 زان گل که شد شکفته به بستان کربلا^{۷۶}

گریه انبیاء علیهم السلام

انبیاء الهی بر مصائب امام حسین علیه السلام گریسته اند ، به ذکر یک نمونه اکتفاء می کنیم :

صاحب کتاب الدر الثمین در تفسیر آیه شریفه فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ^{۷۷}
 روایت کرده که حضرت آدم علیه السلام در پایه عرش اسماء پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را دید ، که
 جبرئیل به او تلقین نمود که بگو : يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا عَلِيُّ بِحَقِّ عَلِيٍّ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ

^{۷۵} . وَأَقِيمَتِ لَكَ الْمَاتَمُ فِي أَعْلَىٰ عَلِيٍّ وَ لَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنِ وَ بَكَتِ السَّمَاءُ وَ سُكَّانُهَا وَ الْجِنَانُ وَ خُرَّانُهَا وَ الْهَضَابُ وَ أَقْطَارُهَا ،

و البحار و حيطانها ، و الجنان و ولدانها ، و البيت و المقام ، و المشعر الحرام و الحلّ و الاحرام . بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۳۲۳ ح ۸

^{۷۶} . چراغ صاعقه به گزینش علی انسانی ص ۴۴ و ۴۵ .

^{۷۷} . پس آدم از خدای خود کلماتی آموخت که آن کلمات باعث پذیرفته شدن توبه او گردید .

فَاطِمَةَ يَا مُحْسِنٌ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَمِنْكَ الْإِحْسَانُ . چون نام حسین علیه السلام را بر زبان جاری کرد اشکش جاری شد و قلبش شکست و گفت : ای برادرم جبرئیل چرا در یادکردن پنجمی قلبم می شکند و اشکم جاری می شود . جبرئیل عرض کرد :

این فرزند تو به مصیبتی مبتلا می شود که همه مصیبت ها در مقابل آن کوچک است . فرمود : ای برادر ، آن چه مصیبتی است ؟ جبرئیل پاسخ داد : يُقْتَلُ عَطْشَانًا غَرِيبًا وَحِيدًا فَرِيدًا لَيْسَ لَهُ نَاصِرٌ وَلَا مُعِينٌ ، با لب تشنه ، غریب و بی کس و تنها کشته می شود و برای او هیچ یاور و معینی نیست . ای آدم اگر او را ببینی در حالی که می گوید :

وَاعْطَشَاهُ وَاقِلَّةَ نَاصِرَاهُ^{۷۸} ، تا این که تشنگی حائل شود بین او و آسمان مانند دود (یعنی از شدت تشنگی آسمان را چون دود بیند) و هیچ کس او را اجابت نکند مگر به ضربه های شمشیر و چشاندن مرگ . پس او را ذبح کنند چون گوسفندی که از قفا بکشند .

و دشمنانش وسایل او را به غارت ببرند و سر او و یارانش را به همراه عیالاتش در شهرها بگردانند . این گونه در علم خداوند منان گذشته است . پس آدم و جبرئیل چون مادر جوان مرده گریستند . فَبَكَى آدَمُ وَجَبْرِئِيلُ بُكَاءَ الثَّكَلَى^{۷۹} .

گریه امام حسین علیه السلام بر مسلم بن عقیل

فرزدق با امام حسین علیه السلام ملاقات کرد و پس از سلام گفت : ای پسر رسول خدا چگونه

^{۷۸} . داد از تشنگی ، فریاد از کمی یاور .

^{۷۹} . بحار الانوار ج ۴۴ ص ۲۴۵ ح ۴۴ .

بر اهل کوفه اعتماد می‌کنی ، آنان همان افرادی هستند که پسر عموی تو مسلم و یارانش را کشتند . قطرات اشک از چشمان امام حسین علیه السلام سرازیر شد و فرمود : خدا مسلم را رحمت کند ، او به رَوْح و ریحان و بهشت و رضوان خدا بازگشت . او وظیفه‌ای که بر عهده داشت انجام داد و اکنون نوبت ماست که آنچه بر عهده ماست ، انجام دهیم^{۸۰} .

ورود به کربلا و گریه امام حسین علیه السلام

که زمانی که امام حسین علیه السلام به کربلا رسیدند و از اسم آن سرزمین سؤال فرمودند ، بعد از شنیدن اسم کربلا چشمان مبارکشان پر از اشک شد و فرمودند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُرْبِ وَالْبَلَاءِ ...

خدایا از کرب (سختی و مشقت و اندوه) و بلا به تو پناه می‌برم ...^{۸۱}

شب عاشورا و زینب کبری علیها السلام

که شیخ مفید و دیگران روایت کرده‌اند از حضرت علی بن الحسین علیه السلام که فرمود : آن شب (شب عاشوراء) در حالت بیماری نشسته بودم و عمه‌ام زینب از من پرستاری می‌کرد . پدرم به خیمه خود رفت ... و این ابیات را می‌خواند :

یا دهر افّ لک من خلیل	کم لک بالاشراق و الاصلیل
من صاحب او طالب قتیل	و الدهر لایقنع بالبدیل
و انما الامر الی الجلیل	و کل حیّ سالک سبیل

^{۸۰} . جلاء العیون للشبّر ج ۲ باب ۵ فصل ۱۴ ص ۱۸۳ .

^{۸۱} . الخصائص الحسینیة ص ۱۸۲ و ۱۸۳ .

چون این اشعار را دو یا سه مرتبه تکرار نمود دانستم که آن سرور تن به شهادت داده ،
لذا گریه گلویم را گرفت ولی خودداری کردم .

لکن عمه‌ام زینب چون این اشعار را شنید ، و شأن زن‌ها عاطفه و رقت است ، نتوانست
خودداری کند ، برخاست و دامن کشان رفت تا به خیمه پدرم وارد شد و ناله‌اش بلند
شد . . .

حضرت به او نظر کرده ، او را دل‌داری دادند . . . و فرمودند :

خواهرم شیطان حلم تو را نریاید ، و اشک ، چشمان شریفش را گرفته (این مثل‌عرب را
متذکر شده) فرمودند : لو ترک القطا لنام^{۸۲} .^{۸۳}

گریه امام حسین بر علی اکبر علیه السلام

گریه آن حضرت هنگامی که علی اکبر علیه السلام به میدان می‌رفت^{۸۴} .

گریه آن حضرت هنگامی که علی اکبر علیه السلام از میدان برگشت و عرض کرد :

يَا أَبَةَ الْعَطَشِ قَدْ قَتَلَنِي وَ ثَقَلَ الْحَدِيدِ أَجْهَدَنِي فَهَلْ إِلَى شَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ سَبِيلٌ أَتَقْوَى بِهَا عَلَيَّ
الْأَعْدَاءُ؟ ای پدر تشنگی مرا کشت و سنگینی اسلحه مرا به زحمت انداخته و توانم را
برده است آیا راهی به سوی جرعه‌ای از آب هست تا بر جهاد با دشمن قوت یابم؟^{۸۵}

^{۸۲} . اگر مرغ قطا را در آشیانه‌اش به حال خود می‌گذاشتند (آسوده) می‌خوابید .

^{۸۳} . بحارالانوار ج ۴۵ ص ۳۴۵ و ۳۴۶ . بحارالانوار ج ۴۵ ص ۱ و ۲ .

^{۸۴} . بحارالانوار ج ۴۵ ص ۴۵ . نفس المهموم ص ۲۷۹ . لهوف مسلک ۲ ص ۱۶۶ .

^{۸۵} . بحارالانوار ج ۴۵ ص ۴۳ .

گریه شدید امام علیه السلام کنار بدن پاره پاره علی اکبر علیه السلام ^{۸۶}.

گریه امام بر قاسم بن الحسن علیه السلام

هنگامی که قاسم نزد عموی بزرگوارش آمد آن حضرت به قاسم نظر افکند و دست به گردن او کرد و او را در آغوش کشید و هر دو شروع به گریه کردند حتی غشی عَلَيْهِمَا تا هر دو از هوش رفتند .

چون به هوش آمدند قاسم از امام علیه السلام اجازه میدان خواست و آن جناب اجازه نداد .
آن شاهزاده دست و پای عموی خود را می بوسید تا اجازه گرفت و به میدان رفت در حالی که اشک بر گونه هایش روان بود و می فرمود :

سبط النبی المصطفی و المؤمن	إن تکرونی فانا ابن الحسن
بین أناس لاسقوا صوب المزن ^{۸۷} . ^{۸۸}	هذا حسین کالأسیر المرتهن

گریه بر علی اصغر علیه السلام

به ناگاه امام حسین علیه السلام متوجه شدند که پسر شیرخوارش از عطش می گرید ، او را به دست گرفته و فرمودند :

ای مردم ، اگر به من رحم نمی کنید پس رحمی به این طفل نمایید .

نامردی از آنان ، تیری به سوی او پرتاب کرد و او را ذبح نمود ، حضرت با دیده گریان

^{۸۶} . نفس المهموم ص ۲۸۲ .

^{۸۷} . اگر مرا نمی شناسید من فرزند امام حسن ، پسر دختر پیامبر برگزیده امین هستم . این (عمویم) حسین است که چون اسیران در بین

مردم گرفتار است ، از باران ابرها (رحمت الهی) سیراب نشوید .

^{۸۸} . بحار الانوار ج ۴۵ ص ۳۴ . نفس المهموم ص ۲۹۲ .

می فرمود : اللهم احکم بیننا و بین قوم دعونا لینصرونا فقتلونا^{۸۹} .^{۹۰}

الآن انکسر ظهري

☞ چون جناب قمر بنی هاشم علیه السلام تنهایی امام حسین علیه السلام را دید خدمت آن سرور آمد و

عرض کرد ای برادر مرا رخصت می فرمایی جان خود را فدای تو گردانم ؟

حضرت اباعبدالله علیه السلام از شنیدن این سخن گریه شدیدی نمودند ، سپس فرمودند : ای

برادر تو پرچمدار منی ، چون تو کشته شوی لشکرم از هم پاشیده شود .

حضرت عباس علیه السلام عرض کرد : ای برادر سینه ام تنگ شده و از زندگی دنیا سیر شده ام و

اراده دارم از این جماعت منافقین خونخواهی کنم . امام حسین علیه السلام فرمود : حال که عازم

هستی برای این کودکان اندکی آب طلب نما . . .^{۹۱}

☞ لشکر اطراف عباس بن علی علیه السلام را گرفته و میان او و ابي عبدالله علیه السلام حائل گردیدند ،

قمر بنی هاشم علیه السلام به تنهایی با آنان نبرد می کرد تا این که به شهادت رسید ، در این زمان

سیدالشهداء علیه السلام به شدت گریستند^{۹۲} .^{۹۳}

^{۸۹} . خدایا بین ما و این مردم خود قضاوت کن ، ما را دعوت کرده تا یاریمان کنند لکن ما را کشتند .

^{۹۰} . نفس المهموم ص ۳۱۹ .

^{۹۱} . بحارالانوار ج ۴۵ ص ۴۱ . منتهی الامال ج ۱ شهادت قمر بنی هاشم علیه السلام .

^{۹۲} . ثم اقتطعوا العباس عنه و أحاطوا به من کل جانب و مکان ، حتی قتلوه قدس الله روحه ، فبکی الحسین علیه السلام بکاءً شدیداً .

لهوف مسلک ۲ ص ۱۷۰ ، بحارالانوار ج ۴۵ ص ۵۰

^{۹۳} . ملای رومی مؤلف مثنوی گریه شادی و سرور می نماید و سماع و پایکوبی راه می اندازد و البته هاشم حداد و مؤلف روح مجرد

هم ، او را تأیید نموده اند ! إن شاء الله در جلد بعد افکارشان بررسی می گردد .

که امام حسین علیه السلام هنگامی که برادر خود را در کنار فرات با تن پاره پاره و مجروح با دست‌های بریده شده دید ، به شدت گریست و فرمود : **الآن انكسرَ ظهري و قلتُ حيلتي** .^{۹۴}

دختر کوچک امام حسین علیه السلام

که امام حسین علیه السلام در وداع آخرین ، درب خیمه آمد و دختر کوچکی دست به گردن او نمود و چنان ناله و آبتاه بلند نمود که دل عالمیان را به سوز و گداز انداخت ، و امام علیه السلام سر به زیر انداخته و اشک از چشمانش جاری بود و آن کودک می گفت : پدر جان ما را به مدینه برگردان .^{۹۶}

ادامه مطلب در عنوان اشک جلد دو

منابع :

در انتهای جلد چهارم شناسنامه کتب و منابع معرفی می گردد .

نشریه پیام دین

موضوع :	اشک جلد یک	مدیر مسئول :	علی صادقی موحد
تاریخ تألیف :	شهریور ۱۳۸۴	صاحب امتیاز :	احمد سعید کریمی
بازبینی :	خرداد ۱۳۹۹	طرح جلد :	علی اصغر حقانی

^{۹۴} . اکنون کمرم شکست و رشته تدبیر و چاره‌ام گسسته شد .

^{۹۵} . برگرفته از منتهی‌الامال ج ۱ شهادت قمر بنی هاشم علیه السلام .

^{۹۶} . سحاب رحمت ص ۵۵۵ ، اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۷۲ .

فهرست

- | | | | |
|----|---|----|--|
| ۲۱ | • بیشترین پاداش..... | ۱ | • معنای اشک و گریه..... |
| ۲۲ | • عزاداری را هر سال بر پا می کنند..... | ۱ | • فوائد گریه و اشک..... |
| ۲۳ | • خدا شیعیان ما را رحمت کند..... | ۵ | • علل گریه..... |
| ۲۴ | • به جای اشک برایت خون می گیریم..... | ۵ | • گریه خالصانه..... |
| ۲۵ | • چهل سال گریه بر پدر..... | ۶ | • ریا کردن در عزاداری..... |
| ۲۵ | • چگونه غصه من تمام شود..... | ۷ | • تباهی..... |
| ۲۶ | • عزاداری در خانه..... | ۷ | • فضیلت تباهی..... |
| ۲۷ | • قطره اشکی در راه ما..... | ۸ | • خصلت های ده گانه..... |
| ۲۷ | • شیعیان ما از ما هستند..... | ۹ | • تباهی در مناجات و دعا..... |
| ۲۸ | • لایوم کیومک یا ابا عبدالله..... | ۱۰ | • داستان..... |
| ۲۸ | • گریه ملائکه..... | ۱۱ | • نصیحت علامه مامقانی به فرزندشان..... |
| ۲۹ | • تعزیت ملائکه..... | ۱۱ | • علامه مولی محمد طاهر قمی <small>رحمته الله</small> |
| ۲۹ | • گریه ذوالجناح..... | ۱۲ | • امام رضا <small>علیه السلام</small> و دعبل خزاعی..... |
| ۳۰ | • گریه آسمان و زمین..... | ۱۳ | • کربلا سبب اندوه و مصیبت تا روز قیامت..... |
| ۳۱ | • خورشید گرفتگی..... | ۱۴ | • در اندوه ما اندوهگین و... .. |
| ۳۱ | • گریه اهل دریا..... | ۱۴ | • روز غم واندوه وگریه..... |
| ۳۱ | • گریه موجودات عالم و حوریان بهشتی..... | ۱۵ | • با ما و در درجه ما..... |
| ۳۲ | • گریه انبیاء <small>علیهم السلام</small> | ۱۶ | • تربت امام حسین <small>علیه السلام</small> |
| ۳۳ | • گریه امام حسین <small>علیه السلام</small> بر مسلم بن عقیل..... | ۱۶ | • امام صادق <small>علیه السلام</small> و محرم..... |
| ۳۴ | • ورود به کربلا و گریه امام حسین <small>علیه السلام</small> | ۱۷ | • گریه ملائکه..... |
| ۳۴ | • شب عاشورا و زینب کبری <small>علیها السلام</small> | ۱۸ | • کودکی در دامن امام صادق <small>علیه السلام</small> |
| ۳۵ | • گریه امام حسین بر علی اکبر <small>علیه السلام</small> | ۱۸ | • من کشته اشکم..... |
| ۳۶ | • گریه امام بر قاسم بن الحسن <small>علیه السلام</small> | ۱۹ | • اشک چشم هر مؤمن..... |
| ۳۶ | • گریه امام حسین بر علی اصغر <small>علیه السلام</small> | ۱۹ | • آیا دوست نداری از کسانی باشی که... .. |
| ۳۷ | • الآن انکسر ظهری..... | ۲۰ | • حدیثی که سزاوار است با طلا نوشته شود..... |
| ۳۸ | • دختر کوچک امام حسین <small>علیه السلام</small> | ۲۰ | • معنای روایت تمام و سندش صحیح است..... |
| | | ۲۱ | • السلام علیک یا ابا عبدالله..... |